

مقایسه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی، فرهنگی و مذهبی زوج‌های عادی و متقاضی طلاق در شهر تهران در سال ۱۳۹۳

محمد بهشتیان*

چکیده

هدف محقق از پژوهش حاضر مقایسه متغیرهای جمعیت‌شناختی، فرهنگی، و مذهبی زوج‌های عادی و متقاضی طلاق در شهر تهران است و جامعه آماری این پژوهش را زوج‌های متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده در شهر تهران و زوج‌های عادی تشکیل می‌دهند. نمونه اولیه شامل ۱۵۶ زوج متقاضی طلاق و ۱۶۴ زوج عادی بود و پس از ریزش ۱۳۲ زوج متقاضی طلاق و ۱۳۲ زوج عادی باقی ماندند. پرسش‌نامه تحقیق شامل دو پرسش‌نامه (جمعیت‌شناختی و باورهای مذهبی) بود. در پرسش‌نامه جمعیت‌شناختی اطلاعاتی مثل زمان ازدواج، تحصیلات، تفاوت‌های فرهنگی، و قومیت استفسار شد و شرکت‌کنندگان در تحقیق آن را تکمیل کردند. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، داده‌ها با نرم‌افزار Spss v15 و با استفاده از آزمون‌های خی‌دو (chi-squared) و کوکران تحلیل شد. تحلیل نتایج نشان داد که تفاوت فرهنگی زیاد، تفاوت مذهبی زیاد، سن زیر ۲۵ سال مرد در زمان ازدواج، سن زیر ۲۰ سال زن در زمان ازدواج، میزان آشنایی کم‌تر از شش ماه زوجین، و اختلاف تحصیلات بیش از دو مقطع زن و مرد در دو گروه زوج‌های عادی و متقاضی طلاق تفاوت‌های معنی‌داری داشتند.

کلیدواژه‌ها: طلاق، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، باورهای مذهبی، فرهنگ، نرم‌افزار Spss، آزمون خی‌دو، آزمون کوکران.

* استادیار گروه پژوهشی بررسی مسائل اجتماعی و روان‌شناختی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Beheshtian.ir@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۱۴

۱. مقدمه

ازدواج مهم‌ترین واقعه یا دست‌کم از مهم‌ترین وقایع زندگی فرد است. در کشورهای غربی، از قرون وسطی تا اوایل قرن بیستم، ازدواج از جانب ساختار اجتماعی حمایت می‌شد. بعد از این دوران ازدواج به مثابه موضوعی شخصی تلقی شد که می‌بایست در خدمت خوشبختی و رفاه فرد قرار گیرد (موسوی، ۱۳۸۶: ۷۹). به این ترتیب ازدواج، به معنای منبع خوشبختی و رفاه فردی، مفهومی جدید و مدرن است.

در گذشته نه چندان دور، ازدواج در ایران از سوی خانواده شکل می‌گرفت. ازدواج پیوند دو فرد نبود بلکه پیوند دو خانواده محسوب می‌شد و در برخی موارد حتی عروس و داماد یکدیگر را تا زمان ازدواج نمی‌دیدند. دختران در سنین پایین از جانب خانواده به عقد پسر در می‌آمدند و سپس به خانواده گسترده شوهر می‌پیوستند. دختر و پسر از زمان کودکی خود را با نقش‌های جنسیتی سازگار می‌کردند و اختلافات زناشویی نیز با پادرمیانی ریش‌سفید خانواده و بزرگان و حمایت خانواده‌ها فیصله می‌یافت (کاملی، ۱۳۸۶: ۱۸۳).

اما امروزه نسل جوان به ازدواج به مثابه منبع خوشبختی، شادمانی، و رفاه می‌نگرد و نحوه انتخاب زوج و نیز دخالت خانواده‌ها در گروه‌های اجتماعی جامعه متفاوت است. هرچند به نظر می‌رسد که جامعه ایران در مرحله گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن است، اما متأسفانه جامعه فقط به گرفتن ظواهر و زرق و برق دنیای مدرن بسنده کرده است و تاحدودی هم‌چنان به سبک و سیاق سنتی خود زندگی می‌کند. افراد هر جا که به نفع خود بدانند، به طور گزینشی، از الگوهای سنتی یا مدرن استفاده می‌کنند. در واقع با داشتن نقشه گذشته می‌خواهند آدرسی را در دنیای مدرن بیابند (موسوی، ۱۳۸۶: ۱۲).

امروزه بسیاری از دختران و پسران جوان تمایل دارند خودشان زوج خود را انتخاب کنند و خانواده هم (به‌ویژه در شهرهای بزرگ) مسئولیت انتخاب را، به منظور در امان ماندن از سرزنش‌های بعدی، به عهده فرزندان می‌گذارد. در این میان، دختران و پسران جوان نه تجربه کافی در این زمینه دارند، نه آموزش لازم را دیده‌اند، و نه دیگر به نقش‌های سنتی در ازدواج پای‌بند هستند؛ مجموعه این عوامل باعث می‌شود که اختلافات و مشکلات در زندگی مشترک بیش‌تر شود و در نتیجه طلاق افزایش یابد (Tarja, 2014: 29).

ازدواج و رابطه زناشویی اصولاً مایه سکون و آرامش آدمی و منشأ رشد و کمال اوست. چنان‌که خداوند هم در قرآن کریم بر این تأکید داشته و همسران را مایه تسکین معرفی کرده است: «من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و

رحمه» (الروم: ۲۸). اما متأسفانه آنچه امروز در جامعه شاهد آن هستیم این است که برخی از ازدواج‌ها نه فقط باعث ایجاد آرامش و تسکین نمی‌شوند بلکه منشأ بسیاری از استرس‌ها، مشاجرات، و ناراحتی‌های روانی و جسمانی هستند (حکیم و زاهدی‌فر، ۱۳۸۹). طلاق، به مثابه معضلی اجتماعی، می‌تواند زمینه بروز بسیاری از مسائل و پیامدهای مختلف شود و عرصه بروز بسیاری از آسیب‌های دیگر، در سطوح فردی و اجتماعی، را فراهم کند. برخی از این آسیب‌ها در ادامه مطرح می‌شوند.

۱.۱ آثار و عوارض منفی طلاق بر زنان مطلقه

مشکلات اقتصادی و معیشتی، تن دادن به ازدواج‌های موقت یا خارج از عرف اجتماعی، افسردگی، سرخوردگی و کاهش رضایت از زندگی، پذیرش نقش‌های چندگانه و تعدد نقش‌ها، روی آوردن به آسیب‌هایی هم‌چون خودکشی، اعتیاد، فحشا، سرقت، انزوا و اختلال در مناسبات و تعاملات اجتماعی، مشکلات و انحرافات جنسی، فساد اخلاقی، مشکلات ناشی از عدم حضانت فرزندان، دلتنگی، و از دست دادن سلامت روانی و جسمی از جمله آثار و پیامدهایی است که زنان مطلقه با آن درگیرند (کاملی، ۱۳۸۶: ۱۸۶؛ ریحانی و عجم، ۱۳۸۱: ۹۹).

۲.۱ آثار و عوارض منفی طلاق برای مردان

فشارهای روحی و روانی، ابتلا به انواع آسیب‌ها مثل اعتیاد به مواد مخدر و الکل، اختلالات رفتاری، خودکشی، فحشا و انحرافات جنسی، قرار گرفتن در معرض انواع بیماری‌های عفونی و ویروسی، از دست دادن پیوندها و هم‌بستگی با خانواده، طرد خانوادگی و اختلاف با سایر اعضای خانواده، تن دادن به ازدواج‌های موقت و ازدواج‌های ثانویه، و اختلاف بین فرزندان و همسر در صورت ازدواج مجدد از جمله آثار و پیامدهای منفی طلاق برای مردان است (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۵؛ Shakerian et al., 2014: 330).

۳.۱ آثار و عوارض منفی طلاق برای فرزندان

آثار و عوارض طلاق برای فرزندان از آن رو حائز اهمیت است که می‌تواند زمینه بروز بسیاری از اختلالات رفتاری، روحی و روانی در فرزندان را پدید آورد و زندگی فردی

و اجتماعی آتی آنان را به مخاطره اندازد. بروز افسردگی در کودکان و نوجوانان، اضطراب، پرخاش‌گری و عصیان در نوجوانان، حسادت، سوء ظن و بدبینی نسبت به دیگران، فرار از منزل، ترک تحصیل و افت تحصیلی، بزه‌کاری و کج‌روی‌های اجتماعی (قتل، دزدی، فحشا)، ازدواج زودهنگام به‌ویژه برای دختران، ضعف اعتماد به نفس، اختلال هویت، اعتیاد، فقر، مشکلات در سلامت جسمی و روانی هم‌چون بی‌خوابی، سوء تغذیه، بی‌اشتهایی یا پرخوری عصبی، احساس درماندگی و سرخوردگی، تجربه عقده‌حقرت ناشی از دست‌رسی نداشتن به محیط گرم و عاطفی خانوادگی در مقایسه با دیگران و درونی‌سازی عقده‌های منفی و ضد اجتماعی، انزوای اجتماعی، گرایش به انواع انحرافات اجتماعی به سبب ضعف کنترل رفتاری و اخلاقی توسط والدین، اجتماع‌ستیزی، دیگرآزاری، و بروز انواع خشونت‌های اجتماعی از پیامدهای طلاق برای کودکان است (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۰؛ Winking et al., 2011: 85؛ برنشتاین و برنشتاین، ۱۳۸۹: ۲۱۵).

۴.۱ عوارض اجتماعی طلاق

آثار و پیامدهای ناشی از طلاق، گذشته از اعضای خانواده، می‌تواند اجتماع را نیز تحت تأثیر قرار دهد و تبعاتی برای جامعه به همراه داشته باشد. افزایش جرایم اجتماعی، تزلزل اجتماعی و بی‌ثباتی جامعه، فروپاشی خانواده به مثابه مهم‌ترین و نخستین نهاد اجتماعی پایه، افزایش هزینه‌های اجتماعی برای جلوگیری از جرایم و کنترل ناهنجاری‌ها و انحرافات ناشی از طلاق، افزایش کودکان خیابانی، و سایر آسیب‌های اجتماعی هم‌چون فرار از منزل، تکدی‌گری، قتل، خودکشی، اعتیاد، و قاچاق از آن جمله‌اند. در عین حال، افزایش تعداد زنان خودسرپرست و مشکلات معیشتی، روانی، اجتماعی، و اخلاقی آنان و سایر نابسامانی‌های شخصیتی، اجتماعی، و رفتاری افراد مطلقه و فرزندان آنان از عوارض اجتماعی ناشی از طلاق است (Yip et al., 2015: 88؛ الیری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۸).

بر اساس آمارهای مرکز آمار سازمان ثبت احوال کشور طلاق در کشور در سال‌های اخیر افزایش داشته است. در سال ۱۳۹۲، ۱۵۵ هزار و ۳۶۹ طلاق در کشور به ثبت رسیده است. طلاق در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال پیش از آن ۳/۴ درصد در کل کشور رشد داشته است. نرخ طلاق در کشور دو در هزار است (نسبت طلاق به جمعیت کشور) و بیش‌ترین نرخ طلاق مربوط به استان‌های خراسان رضوی، گیلان، و کردستان است و نرخ طلاق در

آن‌ها ۲/۶ در هزار است. کم‌ترین نرخ طلاق به استان‌های سیستان و بلوچستان با ۰/۶ و ایلام و یزد با ۱/۱ در هزار است. در کل کشور به ازای هر ۴/۹ ازدواج یک طلاق به ثبت می‌رسد یا به عبارت دیگر از هر ۱۰۰ ازدواج ۲۰/۱ ازدواج به طلاق می‌انجامد. استان‌هایی که بیش‌ترین میزان طلاق به نسبت ازدواج را دارند به ترتیب عبارت‌اند از: البرز (با ۳ ازدواج در مقابل یک طلاق)، تهران (۳/۲ ازدواج در مقابل یک طلاق)، و گیلان (۳/۹ ازدواج در مقابل یک طلاق) و استان‌هایی که کم‌ترین طلاق در مقابل ازدواج را دارند سیستان و بلوچستان (۱۳ ازدواج در مقابل یک طلاق)، ایلام (۱۱ ازدواج در مقابل یک طلاق)، و خراسان جنوبی (۹ ازدواج در مقابل یک طلاق) هستند (حیدر، ۱۳۹۳).

۲. تحقیقات انجام‌شده

با توجه به بالا بودن آمار طلاق در کشور ما، و مهم‌تر از آن روند روبه‌رشد آمار طلاق، شناسایی علل و عوامل طلاق از گام‌های مهم و اولیه برای حل این معضل اجتماعی است. از همین رو، به علت اهمیت طلاق و تبعاتی که برای فرد و جامعه دارد، تحقیقات متعددی درباره آن انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

ریحانی و عجم (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی علل طلاق در شهر گناباد»، که تعداد ۴۴۴ متقاضی طلاق در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ را در بر می‌گرفت، بیش‌ترین علت طلاق را اختلافات مذهبی و اخلاقی و مشکلات اقتصادی گزارش کردند.

جلیلیان (۱۳۷۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که فاصله سنی زیاد بین زوجین، برتری تحصیلات زن از مرد، تفاوت عقاید مذهبی، شناخت کم بین زوجین، و برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری از جمله علل درخواست طلاق زوجین بوده است.

گودرزی (۱۳۷۸) در پژوهشی به این نتیجه رسید که ۴۵/۵ درصد طلاق‌ها در سه سال اول زندگی رخ می‌دهند، ۵۲ درصد مطلقان فرزند ندارند، و سطح تحصیلات زنان در بین مطلقان بیش‌تر از مردان بوده است. رحیمی (۱۳۷۹) در تحقیق دیگری به این نتیجه رسید که عواملی از جمله نبود توافق اخلاقی بین زن و شوهر، اختلاف سن، اعتیاد، و بیکاری از جمله عوامل مؤثر در طلاق است.

حسین‌آبادی (۱۳۸۴) در پژوهش خود نشان داد که نداشتن تفاهم، بی‌اعتمادی طرفین نسبت به یکدیگر، بیکاری مرد و مشکلات اقتصادی، دخالت والدین در زندگی زن و شوهر، فاصله سنی زیاد بین زن و شوهر، نبود شناخت کافی قبل از ازدواج، و اختلاف

سطح تحصیلی، طبقاتی، فرهنگی و مذهبی از جمله عوامل مؤثر در طلاق زوجین است (هنریان و یونسی، ۱۳۹۰).

خیاط غیائی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که اختلاف سطح تحصیلی زوجین، تفاوت سنی زوجین، تحصیلات زن، و سن ازدواج احتمال طلاق بین زوج‌های شیرازی را افزایش می‌دهد.

سعادت‌ی و دیبایی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «تعیین فراوانی علل طلاق در مراجعان به دادگاه خانواده اهواز در سال ۱۳۸۴» به این نتیجه رسیدند که نبود تفاهم، اعتیاد مردان، دخالت خویشاوندان، و بیماری‌های روانی از مهم‌ترین علل طلاق زوج‌ها بوده است.

در تحقیق دیگری که توسط کلاتری و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان «مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران» صورت گرفت مشخص شد که سن ازدواج و اختلاف سنی بین زوجین مهم‌ترین عامل مؤثر در طلاق بوده است.

هنریان و یونسی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران» به این نتیجه رسیدند که بیش‌ترین متقاضیان طلاق دارای سن ۲۰ تا ۳۰ سال بودند و معمولاً تقاضای طلاق در پنج سال اول زندگی آن‌ها مطرح شده است.

شهوولی و رضایی‌فر (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی علل ناسازگاری و طلاق در خانواده در شهرستان ایذه» مشخص کردند که در ۵۰ درصد طلاق‌ها دوران آشنایی بسیار کوتاه بوده است. ۸۰/۷ درصد مشکلات مذهبی داشته‌اند، در ۶۷/۵ درصد عشق و علاقه اولیه‌ی زمان ازدواج در آن‌ها فروکش کرده بود، و در ۵۱/۸ درصد خیانت یا مسائل مشابه باعث طلاق شده است.

با توجه به شیوع بالای طلاق در کشور ما، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، و با توجه به این نکته که بهترین راه پیش‌گیری از طلاق انتخاب درست و ازدواج آگاهانه است، شناسایی عواملی (از جمله عوامل دموگرافیک)، که احتمال طلاق را در زوجین بالا می‌برد، از اهمیت بسزایی برخوردار است. از طرف دیگر، از آن‌جا که تاکنون تحقیقی در حوزه بررسی عوامل دموگرافیک طلاق (مذهبی و فرهنگی) در شهر تهران انجام نشده است این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ سؤالات زیر است؟

۱. آیا تفاوت مذهبی زوجین احتمال طلاق را افزایش می‌دهد؟
۲. آیا تفاوت فرهنگی زوجین احتمال طلاق را افزایش می‌دهد؟

۳. آیا سن ازدواج مرد بر احتمال طلاق زوجین تأثیر دارد؟
۴. آیا سن ازدواج زن بر احتمال طلاق زوجین تأثیر دارد؟
۵. آیا مدت زمان آشنایی دختر و پسر قبل از ازدواج می‌تواند بر احتمال طلاق زوجین تأثیری داشته باشد؟
۶. آیا تفاوت تحصیلی زوج می‌تواند بر احتمال طلاق زوجین تأثیر داشته باشد؟

۳. روش تحقیق

این پژوهش از نوع هم‌بستگی مقایسه‌ای است و در سال ۱۳۹۳ در شهر تهران انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی زوج‌های متقاضی طلاق ساکن شهر تهران، که در سال ۱۳۹۳ به دادگاه خانواده مراجعه کرده و دادخواست طلاق پر کرده بودند، و نیز کلیه زوج‌های عادی می‌شود که در این سال قصد طلاق گرفتن نداشتند.

اعضای گروه نمونه اولیه شامل ۱۵۶ زوج متقاضی طلاق و ۱۶۴ زوج عادی بود که پس از ریزش ۱۳۲ زوج متقاضی طلاق و ۱۳۲ زوج عادی برای تحلیل داده‌ها انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای است و محقق به سه دادگاه خانواده در شهر تهران مراجعه، و از افرادی که متقاضی طلاق بودند، درخواست کرد که پرسش‌نامه تحقیق را تکمیل کنند. در نتیجه تعداد ۱۴۶ پرسش‌نامه تکمیل شد. گفتنی است که چهارده نفر پرسش‌نامه را به صورت ناقص تکمیل کردند و ده نفر هم، به این دلیل که علت طلاق آن‌ها اعتیاد بود، از بررسی حذف شدند. در ادامه، پرسش‌نامه تحقیق در سایت «www.ravanagahi.ir» گذاشته شد و از زوج‌ها، که از زندگی مشترک خود رضایت نسبی داشتند و قصد طلاق نداشتند، خواسته شد پرسش‌نامه تحقیق را تکمیل کنند. طی سه ماه ۱۶۴ نفر پرسش‌نامه را تکمیل کردند که از بین آن‌ها ۱۳۲ نفر به تصادف انتخاب شدند. این دو گروه ۱۳۲ نفری به مثابه اعضای گروه تحقیق تعیین شدند.

۴. ابزار گردآوری اطلاعات

۱.۴ پرسش‌نامه گردآوری اطلاعات دموگرافیک و فرهنگی

این پرسش‌نامه توسط محقق ساخته شد و شامل ده سؤال درباره ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و فرهنگی زوج‌ها بود. سؤالات در حوزه‌های سن زن و شوهر در زمان

ازدواج، و تفاوت فرهنگی زوج (تفاوت قومیت، تفاوت در رسم و رسوم مربوط به ازدواج، باورها درباره زندگی مشترک، نقش زن و شوهر در زندگی مشترک) بود.

۲.۴ پرسش‌نامه پای‌بندی مذهبی

پرسش‌نامه پای‌بندی مذهبی، که توسط جان‌بزرگی (۱۳۸۸: ۱۲۰) ساخته شده است، رفتارهای مذهبی را در موقعیت‌های بالینی و پژوهشی می‌سنجد و متغیرهای مذهبی را در مداخله‌هایی کنترل می‌کند که به گونه‌ای از روش‌های مذهبی استفاده می‌کنند. این آزمون از پرسش‌نامه‌ای ۶۰ سؤالی تهیه شده است که سه عامل (پای‌بندی مذهبی، دوسوگرایی، و ناپای‌بندی مذهبی) را می‌سنجد.

در عامل پای‌بندی مذهبی فرد، بدون تردید، رفتار خود را بر اساس معیارهای مذهبی تنظیم می‌کند و می‌کوشد که همه رفتارهایش را بر اساس مذهب طراحی کند.

در عامل ناپای‌بندی مذهبی فرد هیچ‌گونه تعهدی به تنظیم رفتارها بر اساس اصول یا دستور عمل‌های مذهبی ندارد.

در عامل دوسوگرایی مذهبی فرد همواره نگران است و در حالت تردید مذهبی به سر می‌برد، میان کردار و گفتارش ناهماهنگی است، در برابر سختی‌ها کم‌تحمل است، احساس خوبی به خود و رابطه خود با خدا ندارد، از اعمال مذهبی خود ناراضی است، و فقط هنگام سختی‌ها به خدا پناه می‌برد.

گفتنی است ابعادی که در این پرسش‌نامه به دست آمد فقط ابعاد دین‌داری را نمی‌سنجد بلکه ابعاد روی‌آوری یا روی‌گردانی فرد از مذهب یا ایمان فرد به اعتقادات مذهبی را نیز بررسی می‌کند. هرچند که می‌توان با آن هدف نیز پرسش‌نامه را تحلیل کرد (همان: ۱۱۲).

ضریب آلفای کرونباخ کل آزمون برابر ۰/۸۱۶ و ضریب هم‌سانی درونی (عامل پای‌بندی درونی) ۰/۸۷۸، ضریب هم‌سانی درونی عامل‌گذاری ۰/۶۸۷، و ضریب هم‌سانی درونی (عامل ناپای‌بندی مذهبی) ۰/۷۲۵ گزارش شد که همگی نشان‌دهنده اعتبار فراوان این پرسش‌نامه است. هم‌چنین برای محاسبه روایی ملاک نیز صورت اولیه این آزمون، پیش از تحلیل عاملی، با آزمون جهت‌گیری مذهبی «آپورت» محاسبه شد که ضریب هم‌بستگی نمره‌های دو آزمون با $n=60$ از میان دانشجویان ۰/۴۷ گزارش گردید که در سطح $p < 0/001$ معنادار بود (همان: ۱۱۱).

در پایان داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Spss v15 و با اطمینان ۹۵ درصد تحلیل شد.

۵. یافته‌های پژوهش

جدول ۱ اطلاعات دموگرافیک اعضای شرکت‌کننده در تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۱. اطلاعات دموگرافیک کلی آزمودنی‌ها

اطلاعات کلی آزمودنی‌ها		زوج‌های عادی		زوج‌های در معرض طلاق	
سن		سال ۲۹/۸±۷/۹		سال ۲۶/۵±۶/۷	
تحصیلات	دیپلم	۲۰ نفر	۷/۵٪	۲۸ نفر	۱۰٪
	فوق دیپلم	۵۲ نفر	۱۹/۵٪	۴۴ نفر	۱۷٪
	کارشناسی	۱۴۶ نفر	۵۵/۵٪	۱۳۰ نفر	۴۹/۵٪
	کارشناسی ارشد	۲۸ نفر	۱۰٪	۴۲ نفر	۱۶٪
	دکتری	۱۸ نفر	۷/۵٪	۲۰ نفر	۷/۵٪
مدت زمان ازدواج		سال ۵/۸±۳/۸		سال ۳/۸±۲/۳	

جدول ۲ خلاصه داده‌های دموگرافیک آزمودنی‌ها را بر اساس داده‌های پرسش‌نامه ارائه می‌دهد.

جدول ۲. خلاصه داده‌های دموگرافیک آزمودنی‌ها بر اساس داده‌های پرسش‌نامه

زوج‌های در معرض طلاق		زوج‌های عادی		ویژگی جمعیت شناختی	
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۵۲	۶۹	۶۵	۸۶	کم	تفاوت فرهنگی
۲۷	۳۶	۲۵	۳۴	متوسط	
۲۰/۵	۲۷	۹	۱۲	زیاد	
۹	۱۲	۵	۷	بالاتر بودن سن زن (بیش از ۲ سال)	تفاوت سنی
۱۰	۱۳	۸/۵	۱۱	بالاتر بودن سن زن (کم‌تر از ۲ سال)	
۱۹	۲۵	۱۶	۲۱	اختلاف سنی کم‌تر از یک سال یا هم‌سن	
۲۳	۳۰	۲۸	۳۷	بالاتر بودن سن مرد (کم‌تر از ۲ سال)	
۲۰/۵	۲۷	۲۹	۳۸	بالاتر بودن سن مرد (بین ۲ تا ۵ سال)	
۸	۱۱	۷/۵	۱۰	بالاتر بودن سن مرد (بین ۵ تا ۹ سال)	
۱۰/۵	۱۴	۶	۸	مرد بیش از ۹ سال بزرگ‌تر	

۴۶ مقایسه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی، فرهنگی و مذهبی زوج‌های عادی و متقاضی طلاق ...

۴۱	۵۴	۵۸	۷۷	اصلاً یا کم	تفاوت مذهبی
۳۲/۵	۴۳	۲۶	۳۴	متوسط	
۲۶/۵	۳۵	۱۶	۲۱	زیاد	
۱۹/۵	۲۶	۱۴	۱۹	مرد حداقل دو مقطع تحصیلی بالاتر	تفاوت تحصیلی
۱۶	۲۱	۲۴	۳۲	مرد یک مقطع تحصیلی بالاتر	
۴۱/۵	۵۵	۴۵/۵	۶۰	هم‌سطح	
۱۴/۵	۱۹	۱۱/۵	۱۵	زن یک مقطع تحصیلی بالاتر	
۸/۵	۱۱	۴/۵	۶	زن حداقل دو مقطع تحصیلی بالاتر	سن زن در زمان ازدواج
۲۰/۵	۲۷	۱۳	۱۷	قبل از ۲۰ سال	
۲۶/۵	۳۵	۳۵/۵	۴۷	۲۰ تا ۲۵ سال	
۳۴	۴۵	۳۸/۵	۵۱	۲۵ تا ۳۰ سال	
۱۹	۲۵	۱۳	۱۷	بالای ۳۰ سال	سن مرد در زمان ازدواج
۱۳/۵	۱۸	۹	۱۲	قبل از ۲۰ سال	
۳۱	۴۱	۲۴	۳۲	۲۰ تا ۲۵ سال	
۳۰	۴۰	۳۵/۵	۴۷	۲۵ تا ۳۰ سال	
۲۵	۳۳	۳۱	۴۱	بالای ۳۰ سال	میزان آشنایی قبل از ازدواج
۲۵۲۸	۳۷	۱۷/۵	۲۳	کم‌تر از ۳ ماه	
۳۸	۵۱	۳۵/۵	۴۷	۳ تا ۶ ماه	
۳۳/۵	۴۴	۴۷	۶۲	بیش از ۶ ماه	

در جدول ۳ نتایج تحلیل آزمون خی‌دو و آزمون کوکران داده‌های دو گروه ارائه شده است.

جدول ۳. نتیجه تحلیل آزمون خی‌دو و آزمون کوکران داده‌ها در دو گروه

نتیجه آزمون کوکران (Cochran's Test)	نتیجه آزمون خی‌دو	ویژگی جمعیت‌شناختی	
۰/۰۰۵	۰/۰۴۲	کم	تفاوت فرهنگی
۰/۰۰۹		متوسط	
۰/۲۳		زیاد	
۰/۳۷	۰/۰۳۵	بالاتر بودن سن زن (بیش از ۲ سال)	تفاوت سنی
۰/۰۰۸		بالاتر بودن سن زن (کم‌تر از ۲ سال)	
۰/۰۰۴		اختلاف سنی کم‌تر از یک سال یا هم‌سن	

۰/۰۰۵		بالتر بودن سن مرد (کمتر از ۲ سال)	
۰/۰۰۹		بالتر بودن سن مرد (بین ۲ تا ۵ سال)	
۰/۰۰۸		بالتر بودن سن مرد (بین ۵ تا ۹ سال)	
۰/۲۴		مرد بیش از ۹ سال بزرگتر	
۰/۰۰۵	۰/۰۳۷	اصلاً یا کم	تفاوت مذهبی
۰/۰۰۹		متوسط	
۰/۷۶		زیاد	
۰/۲۷	۰/۰۲۲	مرد حداقل دو مقطع تحصیلی بالاتر	تفاوت تحصیلی
۰/۰۰۹		مرد یک مقطع تحصیلی بالاتر	
۰/۰۰۲		هم سطح	
۰/۰۰۵		زن یک مقطع تحصیلی بالاتر	
۰/۳۷		مرد حداقل دو مقطع تحصیلی بالاتر	
۰/۱۲	۰/۰۱	قبل از ۲۰ سال	سن زن در زمان ازدواج
۰/۰۰۵		۲۰ تا ۲۵ سال	
۰/۰۰۹		۲۵ تا ۳۰ سال	
۰/۰۸۶		بالای ۳۰ سال	
۰/۳۸	۰/۰۱۸	قبل از ۲۰ سال	سن مرد در زمان ازدواج
۰/۲۷		۲۰ تا ۲۵ سال	
۰/۰۰۴		۲۵ تا ۳۰ سال	
۰/۰۰۵		بالای ۳۰ سال	
۰/۳۷	۰/۰۰۹	کمتر از ۳ ماه	میزان آشنایی قبل از ازدواج
۰/۱۱		۳ تا ۶ ماه	
۰/۰۰۹		بیش از ۶ ماه	

با توجه به نتایج جدول ۳ پاسخ سؤالات تحقیق به شرح زیر استنباط می‌شود:

۱. آیا تفاوت میزان تقید مذهبی زوجین احتمال طلاق را افزایش می‌دهد؟

با توجه به نتیجه آزمون خی دو و کوکران، جدول ۳، اگر اختلاف مذهبی زوجین زیاد باشد احتمال طلاق آن‌ها زیاد خواهد بود ($p > 0/05$). به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین زوج‌های مطلقه و عادی از نظر میزان تقید مذهبی تفاوت وجود دارد.

۲. آیا تفاوت فرهنگی زوجین احتمال طلاق را افزایش می‌دهد؟

با توجه به نتیجه آزمون خی دو و کوکران، جدول ۳، اگر تفاوت فرهنگی زوجین زیاد باشد احتمال طلاق آن‌ها زیاد خواهد بود ($p > 0/05$). به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵ درصد

می‌توان گفت که بین زوج‌های مطلقه و عادی از نظر اختلافات فرهنگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۳. آیا سن ازدواج مرد بر احتمال طلاق زوجین تأثیری دارد؟

با توجه به نتیجه آزمون خی‌دو و کوکران، جدول ۳، اگر سن مرد کم‌تر از ۲۴ سال باشد احتمال طلاق بیش‌تر است ($p > 0/05$). به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین زوج‌های مطلقه و عادی از نظر سن ازدواج مرد تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۴. آیا سن ازدواج زن بر احتمال طلاق زوجین تأثیری دارد؟

با توجه به نتیجه آزمون خی‌دو و کوکران، جدول ۳، در صورتی که سن زن کم‌تر از ۲۰ سال باشد احتمال طلاق بین زوجین بیش‌تر است ($p > 0/05$). به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین زوج‌های مطلقه و عادی از نظر سن ازدواج زن تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۵. آیا مدت زمان آشنایی دختر و پسر قبل از ازدواج می‌تواند بر احتمال طلاق زوجین تأثیری داشته باشد؟

با توجه به نتیجه آزمون خی‌دو و کوکران، جدول ۳، اگر مدت زمان آشنایی زوجین کم‌تر از ۶ ماه باشد احتمال طلاق آن‌ها بیش‌تر است ($p > 0/05$). به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین زوج‌های مطلقه و عادی از نظر میزان آشنایی قبل از ازدواج تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۶. آیا تفاوت تحصیلی زوج می‌تواند بر احتمال طلاق زوجین تأثیری داشته باشد؟

با توجه به نتایج آزمون خی‌دو و کوکران، جدول ۳، اگر تفاوت تحصیل زوجین بیش از دو مقطع باشد احتمال طلاق آن‌ها بیش‌تر است ($p > 0/05$). به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین زوج‌های مطلقه و عادی از نظر اختلاف میزان تحصیلات زوجین تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۶. نتیجه‌گیری

همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان داد عوامل دموگرافیک بر احتمال طلاق زوجین مؤثرند، از جمله پایین‌تر بودن سن مردان از ۲۵ سال و پایین‌تر بودن سن زنان از ۲۰ سال، تفاوت

تحصیلی بیش از دو مقطع، تفاوت مذهبی و فرهنگی زیاد، بیش از دو سال بزرگ‌تر بودن زن و بیش از هشت سال بزرگ‌تر بودن مرد از عواملی هستند که می‌تواند احتمال طلاق را در بین زوجین افزایش دهد که در ادامه به تحلیل این نتایج خواهیم پرداخت.

از نتایج این تحقیق این است که تفاوت فرهنگی و مذهبی زیاد بین زوجین احتمال طلاق را افزایش می‌دهد. این نتیجه با نتایج تحقیقات دیگر در این زمینه هم‌سو است (ریحانی و عجم، ۱۳۸۱: ۹۹؛ شهولی و رضایی‌فر، ۱۳۹۰: ۱۳۴؛ هنریان و یونسی، ۱۳۹۰؛ جلیلیان، ۱۳۷۵).

درباره علت این‌که چرا اختلافات مذهبی و فرهنگی زیاد می‌تواند احتمال طلاق را افزایش دهد باید گفت ازدواج در بافتی فرهنگی و مذهبی رخ می‌دهد که این بافت چگونگی ازدواج را تعریف می‌کند. به عبارتی استانداردهای رابطه در بافت فرهنگی و مذهبی مطرح و تقویت می‌شود. زوجینی که از نظر فرهنگی، قومی، و مذهبی با هم تفاوت دارند انتظارات و باورهایشان درباره زندگی مشترک نیز متفاوت است. این تفاوت انتظارات زوجین می‌تواند منشأ مهم تعارضات زوجین باشد که به مرور آن‌ها را فرسوده می‌کند و میزان رضایت از زندگی مشترک آن‌ها را کاهش می‌دهد (Kapinus and Pellerin, 2008: 811).

نتیجه دیگر این تحقیق این بود که بیش از دو سال بزرگ‌تر بودن زن از مرد یا بیش از هشت سال بزرگ‌تر بودن مرد از زن احتمال طلاق بین زوجین را افزایش می‌دهد. برخی از تحقیقات انجام‌شده به نوعی مؤید نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق است مثلاً رحیمی (۱۳۷۹: ۱۱)، هنریان و یونسی (۱۳۹۰)، جلیلیان (۱۳۷۵)، کلانتیری و همکاران (۱۳۹۰: ۱۳۵)، و خیاط‌غیاتی و همکاران (۱۳۸۹: ۹۵) نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که اختلاف سنی زیاد احتمال طلاق را بین زوجین افزایش می‌دهد.

درباره علت این‌که چرا اختلاف سنی زیاد بین زوجین احتمال طلاق را افزایش می‌دهد باید گفت هرچه فاصله سنی زوجین زیادتر باشد تفاوت نگاه آن‌ها به زندگی و زندگی مشترک بیشتر می‌شود و این تفاوت نگاه انتظارات متفاوتی را ایجاد می‌کند که بالطبع می‌تواند مشکلاتی را برای زوجین ایجاد کند.

درباره علت این‌که چرا بالاتر بودن سن زن از مرد احتمال طلاق را بالا می‌برد عوامل مختلفی می‌تواند مؤثر باشد که در ادامه ذکر می‌شود:

۱. معمولاً در جامعه ما پایین‌تر بودن سن مرد از زن مؤلفه‌ای منفی تلقی می‌شود (موسوی، ۱۳۹۰: ۱۲۷) و مردانی که چنین شرایطی دارند احتمال دارد تحت تأثیر این

باور قرار گیرند و احساس حقارت کنند که این خود می‌تواند مسبب ایجاد مشکلاتی در زندگی مشترک شود؛

۲. دخترها زودتر از پسرها به سن بلوغ می‌رسند و مثلاً پسری بیست‌ساله در مقایسه با دختری بیست‌ساله سال‌های کم‌تری را در دوران بزرگ‌سالی گذرانده است و طبیعی است که پختگی کم‌تری داشته باشد؛

۳. زن‌ها، به سبب تفاوت شخصیتی زن و مرد، زودتر از مردان از نظر ذهنی برای ازدواج آماده می‌شوند. این تفاوت از دوران کودکی دختران و پسران (مثلاً در خاله‌بازی یا بازی‌های گروهی) قابل مشاهده است (Hiller and Recoules, 2013: 85).

نتیجه دیگر این تحقیق آن بود که سن پایین مرد (کم‌تر از ۲۵ سال) و سن پایین زن (کم‌تر از بیست سال) احتمال طلاق را بین زوجین افزایش می‌دهد. نتیجه این تحقیق با پژوهش انجام‌شده توسط خیاط غیائی و همکاران (۱۳۸۹: ۱۰۰) هم‌سو است. آن‌ها در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که سن ازدواج از عوامل طلاق زوج‌های شهر شیراز است. اما درباره این که چرا سن پایین دختر و پسر می‌تواند احتمال طلاق را افزایش دهد چند نکته را می‌توان مطرح کرد:

۱. از آن‌جا که مدیریت اقتصادی خانواده عمدتاً به عهده مرد است، و هرچه مرد سن پایین‌تری داشته باشد طبیعی است که تمکن مالی کم‌تری دارد، بنابراین احتمال این که پسرهایی که در سن پایین ازدواج می‌کنند مشکلات اقتصادی بیش‌تری در زندگی مشترک داشته باشند بیش‌تر است و تحقیقات دیگر (رحیمی، ۱۳۷۹؛ هنریان و یونسی، ۱۳۹۰) نشان داده است که مشکلات اقتصادی از عواملی است که احتمال طلاق را افزایش می‌دهد؛

۲. طبیعی است که هرچه سن دختر و پسر در زمان ازدواج پایین‌تر باشد میزان پختگی آن‌ها کم‌تر و احتمال ناتوانی مقابله با مشکلات زندگی مشترک در آن‌ها بیش‌تر خواهد بود (گودرزی، ۱۳۸۱).

بنا بر نتایج این تحقیق اگر مدت زمان آشنایی زوجین کم‌تر از شش ماه باشد احتمال شکست زندگی مشترک بیش‌تر است. این نتیجه نیز با تحقیقات دیگر انجام‌شده در این حوزه هم‌سو است (شهوولی و رضایی‌فر، ۱۳۹۰: ۱۲۰؛ جلیلیان، ۱۳۷۵؛ هنریان و یونسی، ۱۳۹۰). درباره علت این مسئله چند دلیل را می‌توان مطرح کرد:

۱. معمولاً در شروع آشنایی احساسات بر منطق غلبه دارد و این مسئله مانع تفکر منطقی می‌شود، اما هرچه از زمان آشنایی دختر و پسر بگذرد از میزان هیجان‌ات آن‌ها کاسته

می‌شود و به صورتی منطقی‌تر می‌توانند به رابطه خود نگاه کنند. برخی از محققان معتقدند که بعد از گذشت شش ماه از شروع آشنایی از شدت هیجانات کاسته می‌شود و منطق بیش‌تری وارد رابطه می‌شود (Hatemi et al., 2015: 139)؛

۲. هرچه مدت آشنایی دختر و پسر بیش‌تر باشد امکان شناخت بیش‌تر، و شناسایی مشکلاتی که ممکن است در طول زمان و با آشنایی بیش‌تر پدیدار شود، افزایش می‌یابد و همین امر به انتخاب صحیح‌تر و عاقلانه‌تر کمک می‌کند (Berntsen and Kravdal: 2012: 2270). نتیجه دیگر حاصل از تحقیق گویای آن بود که اگر میزان تحصیلات زن یا مرد بیش از دو مقطع از دیگری بالاتر باشد احتمال طلاق در آن‌ها بیش‌تر است. این نتیجه تحقیق هم با نتایج تحقیقات دیگر هم‌سو است مثلاً گودرزی (۱۳۷۸)، هنریان و یونسی (۱۳۹۰)، جلیلیان (۱۳۷۵)، و خیاط غیائی و همکاران (۱۳۸۹: ۹۵) نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که تفاوت زیاد تحصیلات بین زن و شوهر از عوامل مسبب طلاق است. درباره علت این مسئله باید گفت تفاوت تحصیلی بیش‌تر باعث ایجاد تفاوت نوع نگاه زوج از یکدیگر می‌شود. هم‌چنین اختلاف تحصیلی ممکن است این احساس را در یکی از زوجین ایجاد کند که از همسر خود بالاتر یا پایین‌تر است و همین امر ممکن است احساس حقارت یا برتری در یکی از زوجین ایجاد کند و چنین احساسی در زندگی مشترک می‌تواند مشکلاتی را پدید آورد (Amato and Beattie, 2011: 710).

در پایان می‌توان گفت نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل دموگرافیک، مذهبی، و فرهنگی با طلاق زوجین ارتباط دارد. البته به صورت قطعی نمی‌توان گفت که این عوامل پیش‌بینی‌کننده طلاق هستند اما می‌توانند احتمال طلاق را افزایش دهند.

۷. پیشنهادات و محدودیت‌های تحقیق

انجام تحقیق روی زوج‌های مطلقه دیگر شهرها و مقایسه نتایج آن‌ها با وضعیت طلاق در شهر تهران، یکسان‌سازی گروه‌های عادی و متقاضی طلاق از نظر برخی از متغیرها (مثل تحصیلات، تفاوت فرهنگی، و مذهبی)، و مقایسه دو گروه بر اساس عوامل دیگر از تحقیقاتی هستند که پیشنهاد می‌شود در ادامه این تحقیق انجام شود.

عدم دقت آزمودنی‌ها در پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق از جمله عواملی است که از کنترل پژوهش‌گر خارج بود و ممکن است روی نتایج این تحقیق اثرگذار بوده باشد.

منابع

- الیری، دانیل، ریچارد هیمن، و آرتور جانگسما (۱۳۸۷). راهنمای گام به گام درمان مشکلات زناشویی، طرح‌های مدون زوج‌درمانی، ترجمه سیدعلی کیمیایی و زهرا باقریان، تهران: رشد.
- برنشتیان، فیلیپ و مارسو برنشتاین (۱۳۸۹). زناشویی درمانی از دیدگاه رفتاری ارتباطی، ترجمه حسن پورعابدی و غلامرضا منشی، تهران: رشد.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۸). «ساخت و اعتباریابی آزمون پای‌بندی مذهبی بر اساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلاغه»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۵.
- جلیلیان، زهرا (۱۳۷۵). «عوامل مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- حکیم، سیدمنذر و بتول زاهدی‌فر (۱۳۸۹). «علل طلاق و راهبردهای کاهش آن از دیدگاه قرآن کریم»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴۹.
- حیدر، شکوفه (۱۳۹۳). «آمار تکان‌دهنده از افزایش طلاق و کاهش ازدواج در کشور/ مقایسه سال‌های ۹۱ و ۹۲»، *ایکنا*، <<http://icana.ir/Fa/News/256028>>، بازیابی در ۱۳۹۴/۳/۳۰.
- خیاط غیاثی، پروین، لادن معین، و لهراسب روستا (۱۳۸۹). «بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شیراز»، *جامعه‌شناسی زنان*، دوره اول، ش ۳.
- رحیمی، حسین (۱۳۷۹). «بررسی علل طلاق در استان خراسان»، جمعیت، س ۸، ش ۳۳ و ۳۴.
- ریحانی، طیبه و محمود عجم (۱۳۸۱). «بررسی علل طلاق در شهر گناباد سال ۱۳۸۱»، *افتق دانش*، دوره هشتم، ش ۲.
- سعادت، نسرین و امیر دیبایی (۱۳۸۹). «تعیین فراوانی علل طلاق در مراجعین به دادگاه خانواده اهواز در سال ۸۳-۱۳۸۴»، *دانش و تندرستی*، دوره پنجم، ویژه‌نامه ششمین کنگره اپیدمیولوژی ایران.
- شهوولی، کیمرث و سلطان‌مراد رضایی‌فر (۱۳۹۰). «بررسی علل ناسازگاری و طلاق در خانواده‌های شهرستان ایزده»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، دوره دوم، ش ۱.
- کاملی، محمدجواد (۱۳۸۶). «بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود»، *دانش انتظامی*، س ۹، ش ۳.
- کلاتری، عبدالحسین، پیام روشن‌فکر، و جلوه جواهری (۱۳۹۰). «مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران»، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره چهاردهم، ش ۵۳.
- موسوی، اشرف‌السادات (۱۳۹۱). *مشاوره قبل از ازدواج با نگاه کاربردی*، تهران: مهر کاویان.
- هنریان، مسعود و سیدجلال یونسی (۱۳۹۰). «بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران»، *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، دوره اول، ش ۳.

Amato, P. R. and B. Beattie (2011). 'Does the unemployment rate affect the divorce rate an analysis of state data 1960-2005', *Social Science Research*, Vol. 40, No. 3.

Berntsen, K. N. and O. Kravdal (2012). 'The relationship between mortality and time since divorce, widowhood or remarriage in Norway', *Social Science & Medicine*, Vol. 75, No. 12.

- Hatemi, P. K., R. McDermott, and L. Eaves (2015). 'Genetic and environmental contributions to relationships and divorce attitudes', *Personality and Individual Differences*, Vol. 72.
- Hiller, V. and M. Recoules (2013). 'Changes in divorce patterns: Culture and the law', *International Review of Law and Economics*, Vol. 34.
- Kapinus, C. A. and L. A. Pellerin (2008). 'The influence of parents' religious practices on young adults' divorce attitudes', *Social Science Research*, Vol. 37, No. 3.
- Shakerian, A., A. M. Nazari, M. Masoomi, P. Ebrahimi, and S. Danai (2014). 'Inspecting the Relationship between Sexual Satisfaction and Marital Problems of Divorce-asking Women in Sanandaj City Family Courts', *Procedia-social and behavioral sciences*, Vol. 114.
- Tarja, K. V. (2014). 'The divorce revolution and generalized trust: Evidence from the United States 1973-2010', *International Review of Law and Economics*, Vol. 38.
- Winking, J., M. Gurven and H. Kaplan (2011). 'Father death and adult success among the Tsimane: implications for marriage and divorce', *Evolution and Human Behavior*, Vol. 32, No. 2.
- Yip, P. S. F., S. Yousuf, C. H. Chan, T. Yung, and K. C. C. Wu (2015). 'The roles of culture and gender in the relationship between divorce and suicide risk: A meta-analysis', *Social Science & Medicine*, Vol. 128.

